



An Examination of the Structure and Guild Organization of Artists and Craftsmen during the Timurid Era

Masoomeh Samaei Dastjerdi ¹ Vahid Abedinpoor ²

1. Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: m.samaei@cfu.ac.ir.

2. (Corresponding Author), Department of Islamic Education, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran. Email: vahidabedy@med.mui.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 12May2024

Received in revised

form: 18Aug2024

Accepted: 5Sept2024

Published online: 5Nove2024

Key word:

Iran,
Timurid Era,
Guild Organization,
Craftsmen,
Artists,
Artistic and Industrial
works.

The social classes of Iranian society in different historical periods, depending on the type of political and social conditions, have had a position and, accordingly, the origin of effects in different areas and related to their position and functions. As the artists and craftsmen of the Timurid era had a different economic status due to the significant amount of artistic and handicraft evolutions that occurred during this time. The existence of guild hierarchies, the type of interactions with the government, artistic skill and creativity, and the livelihood conditions of artists and craftsmen are some of the ways to understand their economic status at this time. The results of the research show that factors such as tax exemption, political stability, Individual and social abilities, easy and cheap access to the raw materials for the production of artistic and industrial works, building and securing the centers and routes for the supply of works and the existence of guild structure were effective in stabilizing and improving the economic status of this class in the Timurid period. Therefore, in this research, with a historical approach and descriptive-analytical method, the existing guild structure among artists and craftsmen and their economic status in this period will be investigated.

Cite this article: Samaei Dastjerdi, Masoomeh & Abedinpoor, Vahid (2024). *Investigating of the guild structure and organization of artists and craftsmen in the Timurid era*. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 18, No.34 Pages: 155-182.

DOI. 10.22111/jhr.2025.49239.3703



© The Author: Masoomeh Samaei Dastjerdi & Vahid Abedinpoor

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



بررسی ساختار و تشکیلات صنفی هنرمندان و صنعتگران در عصر تیموریان

معصومه سمائی دستجردی^۱ و وحید عابدین پور جوشقانی^۲

^۱ گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران، رایانامه: m.samaei@cfu.ac.ir
^۲ (نویسنده مسئول) گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول، رایانامه: vahidabedy@med.mui.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵

واژه‌های کلیدی:

ایران،

عصر تیموری،

سازمان صنفی،

صنعتگران،

هنرمندان،

آثار هنری و صنعتی.

اقتدار اجتماعی جامعه ایران در ادوار تاریخی مختلف بسته به نوع شرایط سیاسی و اجتماعی، دارای موقعیت و به تبع آن منشأ بروز اثراتی در حوزه‌های مختلف و مرتبط با جایگاه و کارکردهای خویش بوده‌اند. چنان‌که هنرمندان و صنعتگران عصر تیموری به دلیل حجم قابل توجه تحولات هنری و صنایع دستی رخداده در این زمان، دارای موقعیت اقتصادی متفاوتی شدند. بررسی سلسله مراتب صنفی، نوع تعاملات با حکومت، وضعیت درآمدی و معیشتی و فرصت‌ها و چالش‌های اقتصادی فراوری هنرمندان و صنعتگران از مسیرهای شناخت موقعیت و وضعیت اقتصادی آنان در این زمان هستند. دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد اقدامات و شرایطی نظیر معافیت مالیاتی، علاقه‌مندی و رقابت شاهزادگان در کنار مشارکت اقتصادی سایر اقتدار اجتماعی، ثبات سیاسی، توانمندی‌های فردی و اجتماعی اشخاص، دسترسی آسان و ارزان قیمت به مواد اولیه تولید آثار هنری و صنایع دستی، ساخت و تأمین امنیت مراکز و مسیرهای عرضه آثار و همچنین وجود سازمان و تشکیلات صنفی حاکم و ناظر بر این قشر، در ثبات و بهبود موقعیت اقتصادی آنان در دوره تیموری اثرگذار بودند. بدین لحاظ در پژوهش حاضر با رویکردی تاریخی و با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی ساختار صنفی حاکم بر فعالیت هنرمندان و صنعتگران و تبیین موقعیت اقتصادی آنان در این دوره، پرداخته خواهد شد.

استناد: سمائی دستجردی، معصومه و عابدین پور جوشقانی، وحید (۱۴۰۳) بررسی ساختار و تشکیلات صنفی هنرمندان و صنعتگران در عصر تیموریان، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان، ۱۴۰۳، دوره ۱۸، شماره ۲ - شماره پیاپی ۳۵، ص ۱۵۵-۱۸۸.

DOI. 10.22111/jhr.2025.49239.3703

© نویسندگان . معصومه سمائی دستجردی و وحید عابدین پور جوشقانی

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان





مقدمه

بررسی کنش‌های انسانی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی موضوع اصلی دانش تاریخ است. زمان، عنصر مهم در این بررسی به شمار می‌رود؛ چرا که به حسب شرایط زمانی و ادوار تاریخی، برخی فعالیت‌ها و کنش‌ها نسبت به سایر فعالیت‌ها، وضعیت متفاوت و نقش و اثرگذاری بیشتری داشته و به همان نسبت کنشگران و فعالان آن‌ها نیز در موقعیت متمایزی از منظر اجتماعی قرار گرفته‌اند. چنان‌که اوج‌گیری فعالیت‌هایی مانند ترجمه و جایگاه برتر مترجمان آن در قرون دوم و سوم هجری و همچنین فعالیت‌های هنری و موقعیت متمایز هنرمندان و صنعتگران در قرن نهم هجری و مقارن با حکومت تیموریان در ایران، مصادیق تاریخی مبرهنی در این خصوص‌اند. توجه به ساختار، تشکیلات و نوع سازمان‌یابی فعالیت‌های کنشگران اجتماعی، از بسترهای تبیین و اثبات چرایی و چگونگی تمایز تاریخی موقعیت اقتصادی گروه‌ها، دسته‌ها، جریان‌ها و اقشار یک جامعه است. «صنف»، «جمع»، «دسته» و «گروه» نمادهای اجتماعی مبتنی بر وجود ساختار و تشکیلات مشخص و معین به منظور تفکیک، نظارت و بهبود عملکرد کنشگران اجتماعی مربوط به آن در طول تاریخ ایران هستند. بی‌شک وجود ساختار و تشکیلات با وظایف معین حاکی از اهمیت، نیاز و ضرورت اجتماعی فعالیت زیرمجموعه آن است. به همین واسطه وجود ساختار پیچیده و رو به رشد صنفی مخصوص هنرمندان و صنعتگران دوره تیموریان از مسیرهای اثبات اهمیت و رونق فعالیت‌های هنری و چگونگی عملکرد آنان است. به طوری که بررسی امکانات تولیدی، میزان دستمزد و حقوق و نحوه تعیین آن، تفاوت سطح معیشت هنرمند و صنعتگر و مراحل رشد و پیشرفت یا برعکس افول و نزول آن در شغل و حرفه خود از این طریق قابل پی‌جویی و تبیین است. هنرمندان و صنعتگران عصر تیموری علی‌رغم وجود تشکیلات صنفی، از موقعیت اقتصادی یکسانی برخوردار نبودند. چرایی این موضوع به عوامل مختلفی بستگی داشت که بی‌شک نقش حکومت همواره عامل مهمی در این خصوص بوده است؛ به گونه‌ای که اغلب اقشار اجتماعی

از جمله هنرمندان و صنعتگران بسته به میزان ارتباط و اتصال یا عدم تعامل با حکومت دو گونه متمایز سطح معیشت را تجربه می‌کردند. این مسئله و مسائلی از جمله اهمیت شکل‌گیری یا تکامل تدریجی تشکیلات صنفی و تاثیر آن در کیفیت و کمیت فعالیت اقتصادی هنرمندان و صنعتگران، تمایزات درآمدی موجود در میان این قشر و عوامل چالش‌زا و فرصت‌آفرین در زمینه رکود یا رونق فعالیت‌های هنری و صنعتی از اهم مسائل تحقیق حاضرند.

در مورد پیشینه تحقیق، عنوانی مشابه با تحقیق حاضر در پژوهش‌های انجام شده وجود ندارد. مقالات و کتب موجود در مورد هنر و صنایع این دوره، برخی صرفاً به مطالعه یک یا چند شاخه هنری و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند مانند مقاله «هنرهای ظریفه عصر تیموری» محمدرضا حامدی و آذر حیدری؛ «پارچه‌بافی در دوره تیمور» مصطفی لعل شاطری و محمدعلی رجبی؛ «هنر کتاب‌آرایی در عصر مغول و تیموری» جمشید کیان‌فر؛ «هنر معماری ایران در دوره تیموریان» یعقوب دانش‌دوست و مقالات انگلیسی «فرش تیموری» "Timurid Carpets" از Ammy Briggs و «تزئینات گچبری در دوره تیموری» "Timurid tucco Decoration" از Bemard O'Kane. در دسته دیگری از مقالات نیز به عوامل و زمینه‌های توسعه و رونق هنر و نقش حمایتی عناصر مختلف در این زمینه اشاره شده است. در این خصوص می‌توان به مقاله «زمینه‌های توسعه هنر در دوره تیموریان» ولی‌الله کاوسی؛ «حمایت از هنر و پیشبرد انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی در دوره تیموری» فاطمه رضازاده و احمدرضا خضری؛ «نقش امیر علیشیر نوایی در رونق هنر خوشنویسی عهد تیموری» محمد حسن الهی‌زاده و علی نجف‌زاده و مقاله انگلیسی «مبانی اجتماعی و اقتصادی حمایت فرهنگی در دوره تیموریان متأخر» "Socioeconomic Maria Eva Bases of Cultural Patronage under the Later Timurids" از Subtelny اشاره نمود. مقالاتی نیز ارتباط هنر و اقتصاد این دوره را مورد بررسی قرار داده‌اند که در آن‌ها به نقش اقتصاد در رونق هنر توجه شده است مانند مقاله «نقش اقتصاد در شکوفایی هنر در عصر تیموریان» داریوش موگویی و علی‌رضا محمدی؛ در صورتی که در مقاله حاضر با نگاهی معکوس و البته مکمل به نقش و جایگاه هنرمندان و صنعتگران در ساختار اقتصادی و رونق آن و همچنین تشکیلات صنفی حاکم و ناظر بر این قشر تأکید شده است.

ساختار و تشکیلات اصناف

صنف در لغت به گونه و دسته‌ای از هر چیز و در اصطلاح به تشکیلات یا سازمان اجتماعی حرفه‌ای در جوامع شهری اطلاق می‌گردد که از سازمان‌دهی پیشه‌وران شاغل در یک حرفه مشخص پدید می‌آید. این سازمان حرفه‌ای یا صنفی، پیشینه‌ای کهن در تاریخ شهرنشینی دارد و افزون بر تاریخ باستانی ایران، نمونه‌های آن را می‌توان در پایگاه‌های تمدنی کهن جستجو کرد. (الشیخلی، ۱۳۶۲: ۸۱) در دوره اسلامی نیز سازمان صنفی پیشه‌وران در شهرهای ایرانی و اسلامی تداوم یافت. ویژگی کالبدی بازار در این شهرها و استقرار صاحبان هر حرفه در محل مشخصی از بازار، زمینه سازمان‌دهی گروهی و صنفی صاحبان هر پیشه یا حرفه‌ای را در بازارها فراهم ساخت. بی‌تردید چنین سازمان‌دهی و استقراری، مبتنی بر انگیزه‌ها و ضرورت‌هایی چون پیشگیری از تراحم مشاغل ناهمگون با یکدیگر، سازگاری مشاغل با محل و موقعیت معینی از بازار، دسترسی صاحبان حرفه و پیشه به مشتریان، راحتی مشتریان در خرید و سهولت نظارت حکومت بر فعالیت اصناف بود. بدین‌روی استقرار صاحبان یک حرفه در محل مشخصی از بازار به تدریج ضرورت هماهنگی و انتظام فعالیت‌های صنفی و درک منافع و علایق مشترک را پدید آورد و زمینه‌ساز تشکیل سازمان‌های صنفی شد. (عثمان، ۱۳۷۶: ۳۱۱، ۳۴۳)

چنین سازمان‌هایی در دوره تیموریان و در تداوم تشکیلات عصر ایلخانی به حیات خود ادامه دادند. در این دوره در کنار صاحبان حرف و مشاغل مختلف، هنرمندان و صنعتگران نیز در قالب اصناف و دسته‌جات معینی در بازار سازمان‌دهی شده بودند. بدین لحاظ در شهر آشوب‌های این دوره نظیر صنایع البدایع سیفی بخاری (م ۹۰۹ ق) از این گروه به مثابه دیگر اصناف بازار یاد شده است. (نظامی‌باخزری، ۱۳۷۱: ۳) در متون ادبی این دوره نیز به منظور تمایز بخشی و شناسایی گروه‌های مختلف شغلی از یکدیگر، به جای واژه صنف از واژه‌هایی همچون جمع و جماعت استفاده شده است. به همان نسبت به عضو یک صنف، اهل جماعت و به رؤسای آن‌ها پیشوایان یا مقدمان جماعت اطلاق می‌گردید. (میبدی، ۱۳۷۶: ۶۳) وجود سلسله مراتب ویژه در درون هر صنف و استقرار هر پیشه در محله‌ای خاص، زمینه اتحاد و یکدستی و قوام آن‌ها را فراهم می‌نمود. (شامی،

این ساختار به مراتب فتیان (اهل فتوت) بسیار نزدیک و در واقع از همان تشکیلات اخذ شده بود. این امر به دلیل ارتباط عمیق و ریشه‌داری بود که از دیرباز بین اصناف و آئین فتوت وجود داشت. در واقع فتیان، خصوصاً فتیان بازاری کسانی غیر از پیشه‌وران، صنعتگران و اهل حرف نبودند که به خاطر همبستگی‌های عمیق، منافع مشترک و مرام و آداب اخلاقی موجود بین خویش به سمت تشکیل یک صنف واحد پیش رفتند. (افشاری و مدائنی، ۱۳۸۱: ۱۹، ۳۴) در رأس این ساختار، رئیس صنف قرار داشت که دارای عناوین مختلفی همچون کلو، کلانتر، رئیس، شیخ، مقدم یا پیشوا بود. این فرد که معمولاً توسط اعضای صنف انتخاب و سپس به تأیید مقامات درباری می‌رسید، در فضل، علم، مهارت و تجربه، برتر از سایر اعضا بود. البته مهتری و بالا بودن سن، معیار و ملاک قطعی این برتری تلقی نمی‌شد؛ چرا که برخی از افراد نظیر خواجه کمال‌الدین محمد ارمک باف، بر اثر ممارست و تمرین فراوان در عنفوان جوانی (۱۶ سالگی) به این مهم دست یافتند. (خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۶۶، ۲۶۲)

از محتوای برخی از منابع این دوره چنین برداشت می‌شود که رؤسای برخی از اصناف در پایتخت نظیر نقاشان، کاتبان و خوشنویسان، پوستین‌دوزان، قالی‌بافان، ارمک‌بافان و کفش‌دوزان، توسط خود سلطان انتخاب می‌شدند. (خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۶۹-۲۵۵) این امر خود گویای اهمیت و جایگاه برتر این اصناف در جامعه و نزد حکومت، کارایی بیشتر آن‌ها و اعمال نفوذ و نظارت مستقیم حکومت بر این اصناف می‌باشد. سرپرستی و نظارت بر عملکرد اعضای صنف، جلوگیری از تقلب و تخلف آنان و برخورد با خاطیان و نقض‌کنندگان نظام‌نامه‌های صنفی، از وظایف مهم رؤسا محسوب می‌شد. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۷۱-۹۶۹) پس از رئیس صنف، کدخدا قرار داشت. قدر مسلم آن است که مهارت، شایستگی و اعتبار برای کدخدایان به مثابه رؤسای صنف، ضروری بوده است. استادان هر صنف، شخص ماهر و با تجربه‌ای را از میان اعضای حرفه خود برگزیده و با توافق بر سر پرداخت حق الزحمه‌اش، او را به کلانتر (رئیس شهر) معرفی می‌کردند. پس از تأیید کلانتر، وی فعالیت خود را آغاز می‌نمود. کدخدایان، سخنگوی خواسته‌ها و منافع اعضای اصنافی بودند که از آنان مواجب دریافت می‌کردند. (خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۶۶) استادان نیز که وظیفه آموزش شاگردان و انتقال اسرار حرفه و هنر خویش به آن‌ها، صدور مجوز ورود افراد به صنفی خاص و

تأیید صلاحیت افراد برای دستیابی به مقام ریاست صنف را بر عهده داشتند، از دیگر عناصر کارآمد در سلسله مراتب صنفی این دوره محسوب می‌شدند. (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۹۶)

افرادی هم در این دوره از جانب دربار به منظور فراگیری پیشه یا هنری خاص، به نزد استادان برتر فن در بازار فرستاده می‌شدند که پس از گذراندن دوره‌های آموزشی لازم و کسب درجه استادی، به دربار باز می‌گشتند. (خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۵۷) این امر علاوه بر نیاز و توجه ویژه دربار به برخی حرف و صنایع خاص، از مهارت، قابلیت و شهرت فراگیر برخی از استادان این دوره حکایت دارد. (خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۶۳) در خدمت استادان هر صنفی افرادی با عنوان خلیفه یا دستیار فعالیت می‌نمودند که در مرتبه‌ای فراتر از شاگردان و فروتر از استادان قرار داشتند و واسطه و رابط این دو به شمار می‌آمدند. شاگردان نیز که در نظام صنفی از لحاظ آموزش و تجربه در پایین‌ترین مرتبه قرار داشتند، معمولاً از اعضای خانواده و فرزندان استادان همان صنف بودند. (وارد، ۱۳۸۴: ۲۱؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۳۴۸) وجود چنین تشکیلاتی، در وهله اول نشانگر ساختار هدفمند و پیچیده در درون جامعه هنری این دوره است که منفعت و بازدهی اقتصادی از ویژگی‌های مهم آن به شمار می‌رود.

انواع اصناف

پیش از پرداختن به این موضوع، ذکر این نکته ضروری است که در این دوره علاوه بر صاحبان حرف و مشاغل مختلف، بسیاری از هنرمندان نظیر خوشنویسان، نقاشان، صحافان و معماران نیز به صورت صنفی فعالیت می‌نمودند. سلسله مراتب موجود در بین هنرمندان هر شاخه هنری از کالانتر گرفته تا شاگردان، وجود سازمان آموزشی و نظام استاد - شاگردی در بین آنان، فعالیت در بازار و در کارگاه‌ها و حجره‌های مخصوص، از شواهد این امر می‌باشد. (خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۸۱؛ نوایی، ۱۳۶۳: ۴۷) به عبارت دیگر هنر در این دوره کمتر جنبه تزئینی و تفریحی داشت و هنرمندان به هنر خود به عنوان یک حرفه می‌نگریستند. آنان با عرضه و فروش محصولات خود در بازار، کسب درآمد نموده و هنرمندی را نوعی شغل تلقی می‌کردند. این گونه بود که هنر با زندگی مردم عجین شده و به صورت صنفی از اصناف بازار مطرح گردید.

در جدول شماره ۱ فهرست شماری از مشاغل و اصناف هنری این دوره مشاهده می‌شود. نکته مهم در این فهرست، تنوع و تعدد این اصناف است که از گسترش شهرنشینی، افزایش فرصت‌های شغلی در شهرها، پویایی و تحرک اقتصاد شهری، افزایش جمعیت شهرها، گستردگی و تنوع سلاقی و نیازهای مردمی خبر می‌دهد. نکته دیگر آن که این فراوانی و تنوع در میان برخی از حرف و مشاغل این دوره مشهودتر می‌باشد که این امر خود گویای رشد هنرها و صنایع وابسته به این حرف در آن عصر است. در این خصوص می‌توان به مشاغل مرتبط با صنعت نساجی نظیر دوزندگی، بافندگی و فروشندگی پارچه اشاره نمود. در واقع بالا بودن تقاضا برای خرید انواع پارچه‌ها و جامه‌ها در برخی شهرها همچون سمرقند، سبب ایجاد کارگاه‌های فراوان برای رفع این تقاضاها (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۹۰) و در نتیجه رشد و گسترش پیشه‌هایی چون بزازی (۱)، والا بافی (۲)، ارمک بافی (۳)، مخمل بافی (۴)، بوریا بافی (۵)، طاقیه دوزی، خیمه دوزی، بره دوزی (۶)، لوافی (۷)، موله‌ای (۸)، فوطه فروشی (۹)، سالوفروشی (۱۰)، طاقیه فروشی، پیراهن فروشی و ابریشم فروشی در این شهرها شده بود. (ر.ک جدول ۱) از محتوای برخی از اسناد این دوره چنین استنباط می‌شود که برخی از حرفه‌ها با یکدیگر هم گروه شده (اصناف مشترک) و تحت سرپرستی رئیسی معین قرار گرفته بودند. چنان که نقاره‌چیان (۱۱) به همراه غسالان (۱۲)، طوافان (۱۳)، فصّادان (۱۴)، غربال‌سازان (۱۵)، حمامیان، دلاکان، سر تراشان، آسیابانان و لوتیان (۱۶) همه توسط یک فرد مدیریت می‌شدند. (مروارید، ۱۹۵۱، ج ۳: ۱۴؛ واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۴۴-۲۷۳) دسته‌ای دیگر از حرف و مشاغل این دوره نیز به لحاظ حوزه فعالیت مشترک و نیاز متقابل به خدمات یکدیگر، در مراحل مختلف تولید یک یا چند محصول دارای تعامل و پیوند تنگاتنگی با یکدیگر بودند. در این خصوص حرفه‌هایی چون چرمگری (۱۷)، پوستین دوزی، کفشگری و صحافی با هم و کاشی تراشی، منبت کاری (۱۸)، معماری، جصاصی (۱۹) و سنگ تراشی نیز با یکدیگر تعامل و همکاری داشتند. (زکی محمد حسن، ۱۳۶۳: ۳۰؛ وارد، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

جدول ۱- فهرست اصناف و حرف مختلف در دوره تیموریان (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

ردیف	اصناف / حرف	محل تمرکز	منبع
۱	ارمک بافان	هرات	خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۶۲
۲	پوستین دوزان	هرات	یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۶۲
۳	قالیبافان	هرات	سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۱۰
۴	کفشگران	هرات	خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۵۵
۵	لوفان	یزد	میبدی، ۱۳۷۶: ۶۳
۶	آهنگران	اصفهان، بیرجند، سمرقند	شامی، ۱۳۶۳: ۱۷۰
۷	نقاره چیان	هرات	مروارید، ۱۹۵۱، ج ۳: ۱۴
۸	صباغان	سمرقند	راوندی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۵۶۳
۹	منبت کاران	مازنداران، مشهدسر	گلعبک و وبلیر، ۱۳۷۴: ۱۰۶
۱۰	سوزن دوزان	تبریز	باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۳۹۰
۱۱	صحافان	هرات، شیراز، سمرقند	خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۸۱
۱۲	کلسه گران	مشهد	صفوی، ۱۳۸۴: ۲۰۱
۱۳	ریسمان فروشان	یزد	کاتب یزدی، ۱۳۵۷: ۹۶
۱۴	طاقیه فروشان	هرات	سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۸۳۷
۱۵	جامه بافان	هرات، یزد	نوایی، ۱۳۶۳: ۷۹
۱۶	کاتبان و خوشنویسان	اکثر شهرها	سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۲۳

۱۷	نقاشان	اکثر شهرها	خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۳۴۸، ۳۶۲
۱۸	پینه‌دوزان	سمرقند	راوندی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۳۵۴
۱۹	بوریا بافان	سمرقند	تاج السلمانی، ۱۹۵۵: ۱۸
۲۰	حلاجان	سمرقند	تاج السلمانی، ۱۹۵۵: ۱۸
۲۱	جوهریان	سمرقند	تاج السلمانی، ۱۹۵۵: ۱۸
۲۲	بزازان	سمرقند	یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۶۱
۲۳	چرمگران	سمرقند	تاج السلمانی، ۱۹۵۵: ۱۸
۲۴	ندافان	سمرقند	یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۶۱
۲۵	موسیقی‌دانان	اکثر شهرها	یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۶۱
۲۶	سالو فروشان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۲۷	فوطه فروشان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۲۸	موزه فروشان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۲۹	خیمه‌دوزان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۳۰	والا بافان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۳۱	بره‌دوزان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۳۲	مولفای	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۳۳	طاقیه‌دوزان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳

۳۴	پیراهن فروشان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۳۵	فخاران	هرات، نیشابور، تبریز	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۳۶	ریخته گران	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۳۷	مقری گران	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۳۸	ابریشم فروشان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۳۹	شماغان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۴۰	کاشی تراشان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۴۱	نقش کوبان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۴۲	خشت مالان	هرات	نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۳
۴۳	فصوص کاران	شام، سمرقند	یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۵۶
۴۴	خاتم‌بندان	شام، سمرقند	سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۱۵: ۴۲۳
۴۵	کاشیکاران	فارس، عراق	یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۵۶
۴۶	مخمل یافان	سمرقند	یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۵۸
۴۷	حصیر یافان	سمرقند	یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۶۳
۴۸	معماران	شیراز، اصفهان	یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۶۳
۴۹	حکاکان	اصفهان	روملو، ۱۳۴۹، ج ۱۱: ۳۴۳
۵۰	قطاعان	هرات، سمرقند	عالی افندی، ۱۳۶۹: ۱۰۳
۵۱	شیشه گران	اصفهان، هرات	سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۱۵: ۹۴۹

۵۲	صدف‌تراشان	هرات	حافظ ابرو، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۷۰
۵۳	کمان‌سازان	سمرقند	کلایخو، ۱۳۶۶: ۲۹۰
۵۴	زره‌سازان	سمرقند	کلایخو، ۱۳۶۶: ۲۹۱
۵۵	سپر بافان	هرات	سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۲: ۷۷۱
۵۶	نطع‌دوزان	هرات	کاووسی، ۱۳۸۹: ۷۰
۵۷	زین‌سازان	—	جوانی، ۱۳۸۵: ۱۱۴
۵۸	نجانان	ساری	سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۲: ۹۴۹
۵۹	نقاران	—	گلمبک و ویلیر، ۱۳۷۴: ۱۱۱
۶۰	راز	—	گلمبک و ویلیر، ۱۳۷۴: ۶۶۲
۶۱	جصاصان	—	گلمبک و ویلیر، ۱۳۷۴: ۶۶۲
۶۲	دواتگران	هرات	مایل هروی، ۱۳۷۲: ۶۵۷
۶۳	دوات‌فروشان	هرات	مایل هروی، ۱۳۷۲: ۶۵۷
۶۴	مقواسازان	هرات	مایل هروی، ۱۳۷۲: ۸۰۴
۶۵	وصالان	هرات	مایل هروی، ۱۳۷۲: ۸۲۷
۶۶	لاجوردشویان	هرات	مایل هروی، ۱۳۷۲: ۷۷۲
۶۷	کاغذسازان	تبریز	زکی محمد حسن، ۱۳۶۳: ۷۰
۶۸	زری‌دوزان	هرات، کاشان، تبریز	کنبای، ۱۳۸۸: ۱۵۶

وضعیت معیشتی و درآمدی

در جامعه عصر تیموری، هنرمندان و صنعتگران دارای سطح معیشتی و درآمدی یکسانی نبودند زیرا علاقه و توجه به هنر و صنعت در این دوره شیوع و رواجی تام یافته بود و در بین همه اقشار، از بالاترین سطوح جامعه تا پایین‌ترین سطح آن، اشتغال به این امر دیده می‌شد. با این وجود اگر بخواهیم هنرمندان و صنعتگران این دوره را بدین لحاظ در دسته‌بندی مجزایی قرار دهیم، می‌توانیم آنان را به دو گروه درباری و غیر درباری تقسیم نماییم. هنرمندان و صنعتگران درباری نیز خود به دو دسته درباری و درباری-بازاری تقسیم می‌شدند. (سمائی، عابدین‌پور، ۱۳۹۵: ۱۱۷، ۱۱۸)

هنرمندان و صنعتگران درباری که در دربار و در خدمت سلاطین و شاهزادگان به سر می‌بردند،

دارای سطح زندگی و معیشتی مناسبی بودند. این گروه از شرایط کاری و دستمزد خوب و مزایایی نظیر معافیت از پرداخت مالیات برخوردار بوده و اغلب مایحتاج معیشتی آن‌ها توسط حکومت تأمین می‌شد. (خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۵۸-۲۵۵) در موارد بسیاری، سلاطین و شاهزادگان این دوره با پرداخت دستمزدهای گزاف و اعطای انعامات شاهانه به آنان - به ویژه استادان معروف - سعی در جذب و حفظ آن‌ها داشتند؛ نظیر شاهزاده بایسنقر میرزا در هرات و اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان در شیراز که وجوه زیادی از خزانه خود را صرف این امر نمودند. البته در باب میزان دقیق حقوق و دستمزد هنرمندان و صنعتگران درباری در این دوره، آمار و اطلاعات چندانی وجود ندارد. محدود اطلاعات موجود در این زمینه نیز منحصر به میزان انعامات و هدایایی است که به مناسبت‌های مختلف از جانب سلاطین تیموری به آنان اعطا می‌شده است. در این رابطه می‌توان به دریافت مبلغ سه هزار دینار کپکی (۲۰) و یک اسب توسط جلال‌الدین ارمک باف از سلطان حسین بایقرا اشاره نمود. وی این هدیه را به واسطه ابتکار و خلاقیتی که در بافت پارچه‌ای زیبا انجام داده بود، دریافت کرد. (خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۵۵) خواجه محمد کنگر نیز خواننده خوش‌آوازی بود که به واسطه هنرنمایی در یکی از محافل سلطنتی، مبلغ ده هزار دینار کپکی و هزار مثقال طلا از ابوالقاسم بابر هدیه گرفت. (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، د ۲: ۷۵۴) مقایسه‌ای کلی بین هدایای دریافتی هنرمندان در جدول زیر نشان می‌دهد که موسیقی‌دانان از این لحاظ در مرتبه بالاتری نسبت به سایر هنرمندان قرار داشته‌اند. (ر.ک جدول ۲)

جدول ۲- میزان هدایای دریافتی برخی از هنرمندان از سلاطین تیموری (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

هنرمند	هنر یا حرفه	هدایای دریافتی	اعطا کننده
خواجه محمد کنگر	موسیقی	ده هزار دینار کپکی و هزار مثقال طلا	ابوالقاسم بابر
سلطانعلی قاضی	خوشنویسی	هفت هزار دینار کپکی	سلطان حسین بایقرا
محمود رفیقی هروی	خوشنویسی	ده خروار غله	بایسنقر میرزا
میرک هروی	نقاشی	پنج هزار دینار کپکی	سلطان حسین بایقرا
معمد ارمک باف	نساجی	پنج هزار دینار کپکی و پنجاه خروار غله	سلطان حسین بایقرا
جلال‌الدین ارمک باف	نساجی	سه هزار دینار کپکی و یک اسب	سلطان حسین بایقرا

همچنین شواهدی دیگر حاکی از آن است که میزان مهارت این هنرمندان نیز در تعیین دستمزد آنان اثرگذار بوده است. سلطانعلی قاضی، از خوشنویسان زمان سلطان حسین بایقرا چنان به حسن خط شهره بود که برای نوشتن بیتی شعر، اجرت کتابت کتابی کامل را طلب می‌نمود. (عالی‌افندی، ۱۳۶۹: ۶۰) نکته دیگر آن که هنرمندان و صنعتگران درباری مادامی که در خدمت دربار به سر می‌بردند، از زندگی پر تجمل و مرفه آن بهره‌مند بودند و به محض کناره‌گیری از این خدمات، معمولاً زندگی پر مشقت و ساده‌ای را آغاز می‌نمودند. چنان که امیرشاهی سبزواری، از هنرمندان دربار بایسنقر میرزا پس از مدتی خدمت در دربار، از آن کناره گرفت و بقیه روزگار و عمر خود را به زراعت گذراند. سلطانعلی مشهدی نیز پس از مدتی خدمت در دربار سلطان حسین بایقرا و پس از تسلط شیبک خان ازبک بر هرات، به مشهد زادگاه خود بازگشت و پس از تحمل چند سال بیماری و رنج لنگی آبله در سال ۹۲۶ ق درگذشت. (منشی قمی، ۱۳۵۹: ۶۰؛ قلیچ خانی، ۱۳۷۳: ۲۹)

هنرمندان و صنعتگران درباری - بازاری نیز چنان که از عنوان آن پیداست، گروهی بودند که به صورت توأمان هم در دربار و خدمت سلاطین به سر می‌بردند و هم در بازار به فعالیت و خدمت به مردم مشغول بودند. این گروه به دلیل برخورداری همزمان از دو منبع درآمدی -یکی دریافت حقوق و دستمزد از دربار و دیگری درآمد حاصل از فروش محصولات و آثار تولیدی خود در بازار- از

وضعیت معیشتی و درآمدی مناسبی برخوردار بودند. از جمله این افراد می‌توان به ابواسحاق اطعمه اشاره نمود که در بازار حلاجی و نساجی می‌کرد و در دربار ندیم و ملازم اسکندر سلطان بود. (آژند، ۱۳۸۶: ۱۶۷؛ فخری هروی، ۱۳۴۵: ۲۷۶)

دسته‌ای دیگر از هنرمندان و صنعتگران این دوره، در خارج از دربار به کسب و کار و فعالیت مشغول بودند. گروهی از آنان در بازار در حجره‌ها و دکان‌های خویش به تولید و عرضه محصولات خود می‌پرداختند. برخی از آنان نیز صاحب مغازه و دکان مستقلی در بازار نبوده و محصولات و آثار خود را در منزل تولید کرده و به منظور فروش به بازار عرضه می‌نمودند. در زمره این گروه، افرادی نیز قرار داشتند که در کنار هنر و صنعت، حرفه و پیشه دیگری در بازار اختیار کرده و از این طریق امرار معاش می‌نمودند. مولانا کمال‌الدین یزدی خوشنویس و عصار و مولانا مانی نقاش و کاسه‌گر از جمله این افراد بودند. این دسته از هنرمندان و صنعتگران در ردیف پیشه‌وران و اهل حرف قرار داشتند که از آن‌ها با عنوان «محرّفه، صناع و اصحاب جوارح» یاد شده است. (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۰؛ نوایی، ۱۳۶۳: ۴۷، ۱۶۲) این گروه گرچه از لحاظ وضعیت درآمد و دستمزد در سطح هنرمندان درباری نبودند اما از لحاظ وضعیت معیشتی در شرایط مساعدی به سر می‌بردند. البته در میان این دسته از هنرمندان و صنعتگران، افرادی نیز بودند که با وجود مهارت و توانمندی‌های بالایی فنی و هنری، در فقر و تنگدستی به سر می‌بردند. به گونه‌ای که برخی از آن‌ها برای امرار معاش و گذران زندگی مجبور به فعالیت در چندین زمینه و حتی ترک هنر و حرفه مورد علاقه خود و پرداختن به فعالیتی دیگر از جمله کشاورزی می‌شدند. خواجه یوسف برهان موسیقی‌دان، مولانا غباری اسفراینی خوشنویس و حافظ پناهی موسیقی‌دان در زمره این گروه قرار داشتند. (نوایی، ۱۳۶۳: ۶۷، ۷۷، ۱۴۷؛ یوسف اهل، ۱۳۵۶، ج ۱: ۱۸۷)

امتیازات و فرصت‌ها، موانع و چالش‌ها

در ساختار اجتماعی ایران، صنعتگران، پیشه‌وران و به طور کلی اهل حرف به لحاظ مقام و مرتبه همواره پس از نظامیان، دیوانیان و روحانیون قرار می‌گرفتند؛ اما به رغم این موضوع، تأکید و توجه بر نوع فعالیت این قشر در آموزه‌های دینی، منافع اقتصادی و انگیزه‌های سیاسی حکومت‌ها، باعث توجه حکام و مقامات بالایی سیاسی به این قشر شده بود. بدین لحاظ حکومت‌ها در برخورد با این

قشر معمولاً جانب حزم و احتیاط را رعایت می‌نمودند تا از یک سو با سخت‌گیری‌ها، تعرضات و رفتارهای ناروا فعالیت آنان را مختل نساخته و در نتیجه پایه‌های اقتصادی حاکمیت خویش را تضعیف ننمایند و از سوی دیگر با تسامحات نابجا، زمینه سرکشی و فرار مالیاتی آن‌ها را فراهم نکنند. آنان با در پیش گرفتن چنین سیاست دو گانه‌ای گاه امتیازات و حق و حقوقی را به لحاظ اقتصادی برای این گروه قائل می‌شدند و گاه با سوء تدبیر و ضعف مدیریتی خویش، مشکلات و چالش‌هایی را فرا روی آن‌ها قرار می‌دادند. روندی که در دوره حاکمیت تیموریان بر ایران همچنان ادامه یافت. اطلاق عناوینی چون «برج فلک و ماه کارخانه سلطنت» توسط تیمور به این قشر (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۲۱۶-۱۹۰) نشانگر آگاهی و توجه وی به اهمیت وجود این قشر و فعالیت آن‌ها در گردش چرخ‌های اقتصادی حکومت است. بدین ترتیب او و بالطبع جانشینانش گاه به منظور آبادی بلاد، رفاه حال رعیت و به ویژه انتظام و استحکام امور حکومتی خویش، تسهیلاتی را برای این گروه در نظر می‌گرفتند. (فرحناکی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۵، ۱۵۶) این امتیازات و تسهیلات را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود: دسته اول که از دایره شمول بیشتری برخوردار بود، احکام و فرامینی را در بر می‌گرفت که متضمن بخشودگی یا معافیت مالیاتی صنعتگران و پیشه‌وران یک شهر یا ناحیه خاص بودند. فرمان تیمور پس از فتح و سرکوبی شورش‌ها در شهر یزد در سال ۷۹۸ ق، مبنی بر عدم غارتگری سپاهیان در شهر، عدم اخذ مال امانی و معافیت مالیاتی دو ساله مردم این شهر، در زمره این فرامین قرار دارد. محققین علت این انعطاف‌پذیری و تسامح را، مرکزیت یزد در خصوص صنعت نساجی و توجه تیمور به حفظ و بقای این صنعت می‌دانند. (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰، ج ۸۵: ۶؛ امیراسمی، فیاض، ۱۳۹۹: ۳۸) احکامی که در خصوص نحوه اخذ مالیات و برخورد با مضمولین مالیاتی خطاب به مأمورین دولتی صادر شده‌اند نیز در این راستا قابل بررسی می‌باشند. در این احکام محصلان مالیاتی موظف به رعایت شرایط معیشتی و عدم ایجاد اختلال در روند فعالیت روزمره این قشر بودند. نظیر این احکام را در فرمان شاهرخ خطاب به حاکم اصفهان و محصلان مالیاتی این شهر می‌توان مشاهده کرد. (منشی، ۱۳۵۶: ۲۱۵) اقدامات سلاطین و فرمانروایان تیموری در خصوص عمران و آبادانی شهرها، ساخت و تعمیر کاروانسراها، بازسازی و احیای راه‌ها و توسعه و رونق بازارها نیز در این دسته جای می‌گیرند. در این رابطه می‌توان به

اقدامات شاهرخ در بازسازی شهر هرات و ساخت و تعمیر رباط‌های بین این شهر و دو شهر مشهد و بلخ اشاره نمود. (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، د ۱: ۱۱۶، ۱۳۲)

دسته دوم این امتیازات از حوزه محدودتری نسبت به نوع اول برخوردار بودند و منحصر به فرد، افراد یا گروه خاصی از هنرمندان و صنعتگران می‌شدند. این تسهیلات غالباً به هنرمندان و صنعتگران درباری تعلق داشته و خیل عظیم هنرمندان غیر درباری از آن‌ها بی‌نصیب بودند. معافیت از پرداخت مالیات‌های مختلف نظیر تمغا (۲۱)، باج (۲۲)، سوغات (۲۳)، سلامانه (۲۴) و شلتاق راهداری (۲۵) در زمره این امتیازات قرار داشتند. در این زمینه منشورها و فرامین متعددی از جانب سلاطین تیموری خطاب به این دسته از هنرمندان بر جای مانده است. یکی از این فرامین، منشور سلطان حسین بایقرا در خصوص معافیت نصیرالدین منصور منصور، کلانتر کتابخانه سلطنتی هرات، از کلیه مالیات‌های مذکور می‌باشد. (خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۲۵۳) در شمار دیگری از این فرامین، هنرمندان و صنعتگران مشهور و محبوب درباری از تعرض مأمورین دولتی مصونیت یافته‌اند. یکی از این تعرضات، تعدی ایلچیان و پیک‌ها به چهارپایان مردم در صورت بیماری یا از دست دادن چهارپایان خود در حین مأموریت می‌باشد؛ تعرض فراگیری که غالباً کسی حق اعتراض یا مقاومت در برابر آن را نداشت. مگر افرادی که به واسطه خدمت، محبوبیت، شهرت، ثروت و قدرت مورد توجه و عنایت حکومت قرار داشتند. (خوافی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۱۵۷، ۲۵۳)

افزون بر این امتیازات، بعضاً موانع و چالش‌هایی نیز به لحاظ اقتصادی فرا روی هنرمندان و صنعتگران این دوره قرار داشتند که بخشی متأثر از سیاست‌گذاری‌های مالی حکومت و شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و بخشی دیگر ناشی از عوامل خارجی نظیر واردات برخی کالاهای خارجی و افزایش قیمت مواد خام بودند. بی‌ثباتی سیاسی که در مقاطعی خاص از این دوره به وقوع پیوست، مهم‌ترین عامل در این زمینه به شمار می‌رفت. (میرجعفری، یوسف‌جمالی، ۱۳۹۴: ۲۱۴) این عامل ارتباط مستقیمی با رکود فعالیت‌های اقتصادی از جمله تولید آثار هنری و صنایع دستی داشت. در این زمینه شهر هرات پس از مرگ شاهرخ تا آغاز سلطنت سلطان حسین بایقرا، روزهای بی‌ثبات و پر آشوبی را از سر گذراند. این شهر که پیش از این مرکز رشد، رونق و شکوفایی هنر به شمار می‌رفت، در این مدت دوره‌ای از رکود را سپری می‌نمود. در همین زمان در

ولایت کرمان شهر پر رونق «بم» که مرکز صنعت نساجی محسوب می‌شد، رونق گذشته خود را از دست داد. (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱، د ۲: ۲۲۷، ۳۷۰، ۵۷۹، ۵۹۸، ۶۱۴) در چنین مواقعی علاوه بر ناامنی، بی‌نظمی‌های مالیاتی نیز فعالیت‌های تولیدی صنعتگران و پیشه‌وران را مختل می‌نمود. در واقع حکامی که در این شرایط به قدرت می‌رسیدند، با طلب مالیات مجدد از مردم بدون توجه به مالیات پرداختی آنان به حاکم قبلی، چالش‌های تازه‌ای را پیش روی آن‌ها قرار می‌دادند. عدم وجود ضوابط و زمان‌بندی مشخص در خصوص اخذ مالیات‌ها، گوناگونی و تعدد آن‌ها و جبران کمبود بودجه در خزانه با تحمیل مالیات‌های مختلف به مردم نیز بر این بی‌نظمی‌های مالی و در نتیجه آشفتگی اوضاع می‌افزود. وجود عناوین مختلف مالیاتی در منابع و اسناد این دوره نظیر تمغا، سلامانه، سرشمار (۲۶)، برده شمار (۲۷)، نامبردار (۲۸)، قلان (۲۹) و اخراجات (۳۰) مؤید این مطلب می‌باشد. (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۰۶، ۴۲۹) افزون بر این موارد، هزینه‌های بالای تولید نیز گاه موجب اختلال در کار هنرمندان و صنعتگران شده، تولید برخی کالاها را با محدودیت مواجه می‌نمود. در این خصوص هزینه زیاد ساخت کاشی‌های معرق، منجر به کاهش تولید آن‌ها در اواخر این دوره و در نتیجه جایگزینی کاشی‌های ارزانتری نظیر کاشی هفت رنگ به جای آن‌ها گردید. (زکی‌محمد حسن، ۱۳۶۳: ۳۰) در طول قرن نهم هجری به جز شرایط نامساعد داخلی، برخی عوامل خارجی نظیر واردات کالاهای خارجی نیز نوعی تهدید برای تولید کنندگان و صنایع داخلی به شمار می‌آمدند. به طوری که افزایش واردات ظروف چینی در این دوره منجر به کاهش کمی و کیفی تولید ظروف سفالین در داخل، افزایش تقلید به جای ابتکار در ساخت این ظروف و در نتیجه انحطاط این صنعت در کشور گردید. ورود این کالا همچنین در رکود صنعتی چون مرصع کاری (۳۱) نیز اثرگذار بود. (وارد، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

نقش حکومت

میزان، حجم و نوع حمایت یا توجه دولتی در بخش هنرها و صنایع، یکی از مسیرهای مهم پی‌جویی جایگاه و موقعیت اقتصادی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان می‌باشد. موضوعی که دستیابی به آن از طریق شناخت حامیان یا علاقمندان این دوره، ابعاد و زمینه‌های حمایت آنان، سیاست‌های تشویقی حکومت در این خصوص، نحوه تأمین مالی هزینه‌ها و مناطق و نواحی مناسب

برای انجام فعالیت‌های هنری میسر می‌گردد. بدیهی است که اغلب حامیان مالی این دوره از اقشار بهره‌مند جامعه به ویژه اعضای خاندان شاهی (سلاطین، شاهزادگان و خواتین) بوده‌اند. آمار و ارقام موجود در منابع مختلف نشان می‌دهد که بیشترین میزان حمایت این گروه (خاندان شاهی)، در هنرهایی چون کتاب‌سازی، کتاب‌آرایی و معماری صورت گرفته است. (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۷؛ سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۶۲) رونق کتابخانه‌های سلطنتی و کارگاه‌های کتاب‌آرایی در دوره سلاطینی چون شاهرخ و سلطان حسین بایقرا، تأثیر میراث باقیمانده از دوران مغولان و جلایریان در تداوم و رونق سنت کتاب‌آرایی، مشارکت و حضور گسترده و مستقیم شاهزادگانی چون بایسنقر میرزا، ابراهیم سلطان و اسکندر سلطان در این زمینه، فراوانی نسخ خطی به جا مانده از این دوره در موزه‌های سراسر دنیا، تعدد ساخت و تعمیر بناهای مختلف و بازسازی شهرها از شواهد این مدعا می‌باشند. در معماری نیز بناهای ساخته شده توسط این گروه به ترتیب فراوانی شامل کاخ، مدرسه، خانقاه، مسجد، کاروانسرا و حمام بودند. (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۶۵۷-۶۵۱) امرا، دیوانیان و علمای درباری که برخی از آنان خود از استعداد و ذوق هنری برخوردار بودند، از دیگر دولتمردان حامی هنر در این دوره محسوب می‌شدند. تمایل این گروه عمدتاً در زمینه ساخت و تعمیر ابنیه مختلف صورت گرفته است. این ابنیه به لحاظ حجم و میزان پرداخت‌های مالی صورت گرفته در آن‌ها به ترتیب عبارتند از: مدرسه، مسجد، کاروانسرا، خانقاه و حمام. (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۹-۱۷۵؛ خواندمیر، ۱۳۷۴: ۹۴-۹۱) این مطلب بیانگر آن است که در میان این اقشار به ویژه دیوانیان و علما، برخلاف سلاطین و حکام، اهداف و مسائل فرهنگی و اجتماعی از اولویت بیشتری نسبت به اهداف سیاسی برخوردار بوده است. این گروه‌ها در برخی موارد به معماران بلند پایه‌ای چون قوام‌الدین شیرازی که در طرح بناهای سلطنتی مشارکت می‌نمودند، دسترسی داشته‌اند. مؤید این مطلب کیفیت کار، استادی و فراوانی مصالح به کار رفته در برخی از این بناهاست که آن‌ها را با ابنیه سلطنتی قابل مقایسه نموده است. این موضوع خود از توان مالی و میزان ثروتی حکایت دارد که در اختیار این گروه‌ها قرار داشته است. میزان پرداخت‌ها و تامین مالی اقشار مذکور در این زمینه نیز نسبت به یکدیگر متفاوت بود؛ چنان که در فاصله زمانی ۷۷۲-۸۵۴ ق بیش از نیمی از طرح‌های عمرانی و ساختمانی را خاندان شاهی و تقریباً یک پنجم را امرا بر عهده داشتند. در حالی که پس از سال

۸۵۴ ق سهم این دو گروه کمتر و سهم دیوانسالاران و علما بیشتر شد. (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۹۰)

سایر ارکان دولت تیموری در سطوح پایین قدرت و نفوذ نظیر خدام و ندما و همچنین نخبگان بومی و سایر اعیان شهری نیز هر کدام به نوبه خود در امر رونق فعالیت‌های هنری سهیم می‌شدند. در این باره می‌توان به ساخت مدرسه‌ای در مشهد به دستور پریزاد، ندیمه گوه‌رشاد اشاره نمود. (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۸، ۱۷۶) حسین بن حسن بازرگان از بازرگانی بود که در سال ۸۹۲ ق با سرمایه خود مسجد چادک را در یزد بنا نمود. (افشار، ۱۳۴۸، ج ۱: ۵۳) یا در سال ۷۹۸ ق یکی از اعیان یزد، در محله سرآب نو مسجدی ساخت و در سال‌های بعد بی‌بی فاطمه خاتون، همسر امیر چخماق بیک یک آسیاب و یک سایبان گنبددار به ساختمان مزبور افزود. (کاتب، ۱۳۵۷: ۱۱۷، ۱۶۲، ۲۲۵) عمده‌ترین سیاست حکومت در زمینه تشویق حامیان هنر و صنایع دستی، معافیت مالیاتی برای آنان بود. موضوعی که تیمور نیز در تزویرات خویش بدان اشاره نموده است. بر طبق این اشارات، کسانی که در راه احداث یا تعمیر بنا و یا آبادی موضع ویرانی تلاش می‌نمودند، در سال اول به طور کلی از پرداخت مالیات معاف بودند. در سال دوم تنها مبلغی را که خود بدان رضایت داشتند، می‌پرداختند و از سال سوم به بعد ملزم به پرداخت مالیات بر اساس رسوم مقرر می‌گردیدند. (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۳۶۶) همچنین سیاست تیموریان در واگذاری اداره نواحی مختلف به حکام و شاهزادگان و اعطای امتیازاتی چون سیورغال (۳۲) و تیول (۳۳) به برخی از افراد، سبب ترغیب آنان به رونق و آبادانی قلمرو تحت حکومتی خویش و در نتیجه پیگیری فعالیت‌های عمرانی و حمایت از طرح‌های صنعتی و هنری در این نواحی می‌شد. این سیاست همچنین سبب می‌شد تا به لحاظ جغرافیایی، این گونه سرمایه‌گذاری‌ها، ابعاد وسیع‌تری به خود گرفته و محدود به پایتخت نشوند. (اوکین، ۱۳۸۶: ۳۲؛ گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۶۵۰-۶۴۳) مخارج و هزینه‌های چنین طرح‌هایی نیز از محل‌های مختلفی تأمین می‌گردید. بخش عمده‌ای از این هزینه‌ها، به ویژه در زمان تیمور، از ثروت و غنایمی تأمین می‌شد که از غارت و چپاول سرزمین‌های دیگر حاصل شده بود. (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۹۹) درآمد حاصل از مالیات‌ها نیز با توجه به تعدد و تنوع آن‌ها در این دوره، به تداوم و ترقی این گونه حمایت‌ها کمک شایانی نمود. هر چند در برخی

موارد، قطع و عفو دوره‌ای این مالیات‌ها به دلیل وضع پریشان مردم و شکایات آن‌ها، حکومت را از چنین درآمدی محروم می‌نمود. (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۰۶) به علاوه منفعت‌های چندگانه مادی و معنوی «وقف» نیز آن را به یکی از منابع خاص تأمین هزینه‌های مالی طرح‌های هنری و صنعتی در این دوره مبدل نموده بود. (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۳۵۴)

نتایج پژوهش

وجود سازمان و تشکیلات صنفی با ساختار معین و کارکرد و وظایف تعریف شده همراه با تدوین یک نظام نامه صنفی به عنوان منشور اقدام و فعالیت هنرمندان و صنعتگران و به همین ترتیب وجود و تنوع اصناف متعدد که بیش از هفتاد نوع صنف با ساختار و کارکرد مخصوص به خود می‌شدند، خود حاکی از تأثیرگذاری‌های اقتصادی و اجتماعی این قشر است. ساختار صنفی هنرمندان و صنعتگران - که به جای «صنف» با عنوان «جمع» یا «جماعت» از آن یاد می‌شد - در این دوره هویت و مؤلفه‌های مختص به خود داشت. رئیس یا کلانتر (کلو، شیخ)، کدخدا، استاد، شاگرد، خلیفه یا دستیار به ترتیب سلسله مراتب صنف یا جماعت هنرمندان، همراه با وظیفه معین آن‌ها را تشکیل می‌دادند. ساختاری که با سلسله مراتب حاکم بر اهل تصوف و اهل فتوت تشابه داشت و حکایت از پیوند تاریخی اصناف با دو جریان تصوف و فتوت در بستر بازار بویژه از دوره ایلخانی دارد. پیوندی که به تدریج سبب اضمحلال تشکیلات عیاران و پهلوانان در ساختار اصناف گردید و کارکردهای اصناف در بازار را به کارکردهای سیاسی و اجتماعی افزایش داد. وجود و پیچیدگی ساختار صنفی، همچنین مؤید رواج نگاه کاربردی و حرفه‌ای به هنر و تولیدات هنری در این زمان است. به عبارتی هنر با زندگی مردم عجین شده و به صورت صنفی از اصناف بازار مطرح گردید. ورود به بازار، هنرمند را در جرگه پرداخت کننده مالیات نیز قرار می‌داد؛ بنابراین دو مؤلفه: تولید و مالیات - که بخش مهمی از اقتصاد شهری مورد نیاز تیموریان را تشکیل می‌داد - هنرمندان را در کنار صنعتگران به ترکیب اصناف پیوند می‌داد.

سیاست‌ها و تعاملات اقتصادی و سیاسی دوگانه یا محتاطانه حکومت با هنرمندان و صنعتگران از یک سو موجب فرصت‌ها و امتیازاتی برای آنان بود و از سوی دیگر موانع و چالش‌هایی را برای تولید

و رونق آثار هنری و صنایع دستی ایجاد می‌کرد. معافیت‌های مالیاتی موقت شامل: ۱. معافیت‌های معمول برای اغلب هنرمندان و ۲. معافیت‌های مخصوص برای هنرمندان خاص و درباری که با هدف کنترل و در عین حال حفظ بازدهی اقتصادی تولیدات هنرمندان انجام می‌شد، مؤید این مدعاست. اقدامات زیرساختی نظیر تأمین امنیت و ساخت و تعمیر و تجهیز مسیرهای بین شهری هر چند به صورت محدود و مشروط و بر حسب تمایلات شاهانه انجام می‌شد؛ اما نقش اثرگذاری در پویایی بازار و اصناف وابسته به آن داشت. از سوی دیگر تسامح عقیدتی و اشتغالات نظامی تیموریان، زمینه آزادی عمل و اهتمام بیشتر هنرمندان و صنعتگران برای ایجاد یا تنظیم ساختار صنفی را بوجود می‌آورد. در این رابطه میزان، حجم و نوع حمایت مالی و سیاسی حکومت و حتی ترتیب و تقدم آن هم در تفاوت موقعیت اقتصادی این قشر اثرگذار بود؛ چنان که توجه بیشتر به هنرهایی مانند کتاب‌سازی، کتاب‌آرایی و معماری، در رونق و شکوفایی این هنرها و موقعیت برتر هنرمندان فعال آن‌ها مؤثر بود. در نقطه مقابل، واردات دست‌ساخته‌های هنری بویژه از کشور چین، بی‌نظمی‌ها و تعرضات مالیاتی نابهنجار، هزینه‌های بالای تولید، عدم دسترسی به مواد اولیه و افزایش قیمت آن‌ها و در رأس آن‌ها آشفستگی‌ها و بی‌ثباتی سیاسی تاثیر منفی مستقیم بر موارد مذکور داشت. از منظر معیشتی وجود فضای آمیخته از علاقمندی و رقابت شاهزادگان به موضوع هنر و صنایع دستی، کارآمدترین عامل در رفع کاستی‌های معیشت این قشر در قرن نهم هجری به شمار می‌رفت. این مهم با چاشنی عنصر مهمی به نام «وقف» می‌توانست دیگر اقشار اجتماعی اعم از درباریان، بازاریان، روحانیان و نظامیان را نیز به سمت مشارکت در تولید آثار هنری منقول و غیر منقول ترغیب کرده و بستر رونق این قسم فعالیت‌ها را فراهم نماید. تعلق هنرمندان و صنعتگران این دوره به اقشار مختلف اعم از فرادست و فرودست، میزان مهارت و خلاقیت هنری و فنی، میزان دسترسی به مواد اولیه ارزان قیمت و کافی و دسترسی به مراکز عرضه محصولات از دیگر عوامل اثرگذار در تغییر اوضاع معیشتی هنرمند و صنعتگر تیموری به شمار می‌رفتند؛ هر چند حمایت دربار هم به طرق مختلف نظیر پرداخت حقوق و دستمزد، تقدیم هدایا و مزایا و البته معافیت‌های مالیاتی اثر مستقیم در تعیین سطوح معیشتی آنان داشت؛ مزایایی که البته کمتر نصیب هنرمندان و صنعتگران غیردرباری یا دارای کسب و کار مستقل می‌شد.

پی‌نوشت

۱. پارچه‌فروشی؛ جامه‌فروشی. (انصاف پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخل بزازی)
۲. پارچه‌بافی؛ والا نوعی پارچه ظریف و نازک است. (انصاف پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخل والا)
۳. بافت‌ارمک؛ ارمک پارچه‌ای از جنس پشم شتر می‌باشد؛ همچنین به کلاه و جامه‌ای پشمین نیز اطلاق می‌گردد. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخل ارمک)
۴. بافت و تولید مخمل؛ مخمل قسمی پارچه ابریشم‌نماست که یک روی آن پرزهایی لطیف و نرم دارد و روی دیگر آن صاف است. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخل مخمل)
۵. حصیر بافی؛ بوریا حصیری است که از نی شکافته می‌بافند. (انصاف پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخل بوریا بافی؛ دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخل بوریا)
۶. به عمل دوخت قسمی کلاه ماهوتی بی لبه از پارچه‌ای ضخیم، بره دوزی گفته می‌شود. (مشیری، ۱۳۶۹: ذیل مدخل بره دوزی)
۷. زیلوبافی، گلیم‌بافی، تولید لوازم چادر و خیمه. (انصاف پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخل لوفی؛ مشیری، ۱۳۶۹: ذیل مدخل لوفی)
۸. دوخت کلاهی نمدی که دروایش بر سر می‌گذاشتند، دوخت عمامه. (انصاف پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخل موئه‌ای)
۹. فروش لنگ حمام؛ فوطه معرب فوطه است. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخل فوطه)
۱۰. پارچه‌فروشی؛ سالو پارچه‌ای سفید و باریک ویژه دوخت دستار و جامه زنانه بود. (انصاف پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخل سالو)
۱۱. آن که با چوبک طبل نقاره زند. (انصاف پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخل نقاره‌چی)
۱۲. شوینده؛ مرده‌شو؛ آن که جامه یا هر چیز دیگر را بشوید. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخل غسال)
۱۳. فروشنده دوره‌گرد؛ بازارگرد. (انصاف پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخل طواف)
۱۴. فصد کننده؛ رگ‌زن؛ آن که پیشه‌اش رگ زدن و خون گرفتن باشد. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخل فصاد؛ انصاف پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخل فصاد)

۱۵. آن که غربال سازد یا غربال بندد؛ کسی که بر دایره‌ای چوبی توری از زه بندد؛ غربال آلت بیختن است. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخلِ غربال ساز؛ انصاف‌پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخلِ غربال ساز)
۱۶. قمارباز؛ مردی که با نواختن تنبک و خواندن شعر حیواناتی مانند بز، میمون و خرس را می‌رقصاند؛ جوانمرد. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخلِ لوتی)
۱۷. دباغی؛ پوست‌سازی؛ پوست پیرایی. (انصاف‌پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخلِ چرمگر)
۱۸. شغل و عمل منبت‌کار؛ ایجاد نقش برجسته کنده‌کاری شده روی چوب یا روی چیزهای دیگر. (انصاف‌پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخلِ منبت‌کاری)
۱۹. گج‌کاری؛ گج‌فروشی. (انصاف‌پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخلِ جصاص)
۲۰. سکه پولی رایج از دوره مغول تا صفویه. (انصاف‌پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخلِ کپکی)
۲۱. نوعی مالیات که از تجار و صنعتگران اخذ می‌شد. (میرجعفری، ۱۳۷۹: ۲۱۵)
۲۲. مالیات سرانه و اضافی؛ عوارض راهداری؛ پولی که به زور از کسی گرفته شود. (انصاف‌پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخلِ باج)
۲۳. مرسوم که سپاهیان از ماهیانه خود به نویسندگان و مشرفان دهند؛ مرسوم که غازیان از حصه خویش به نویسندگان دهند. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخلِ سوغات)
۲۴. مالیاتی که به مناسبت بار عام پادشاه یا به سبب دریافت خبر به او پردازند؛ نام نوعی خراج که در قدیم از قراء می‌گرفتند. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخلِ سلامانه)
۲۵. به نیرنگ و زور زیاده ستاندن؛ عوارض راهداری. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخلِ شلتاق)
۲۶. مالیات سرانه. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخلِ سرشمار)
۲۷. نوعی مالیات رایج در دوره تیموریان. (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۰۶)
۲۸. چیز گرانبها و قیمتی؛ نوعی مالیات رایج در دوره تیمویان. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخلِ نامبردار)
۲۹. باج؛ مالیات سرانه در عهد ایلخانان و تیموریان. (انصاف‌پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخلِ قلان)
۳۰. مالیاتی که برای مصارف دیوانی وصول می‌شود؛ مالیات غیر مستمر بیش از میزان عادی. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخلِ اخراجات)
۳۱. جواهر نشانی؛ زر نشان و آراسته به جواهر کردن. (انصاف‌پور، ۱۳۷۴: ذیل مدخلِ مرصع‌کاری)

۳۲. سیورغال اصطلاحی مغولی به معنای عطیه یا هبه است. این عطیه شامل زمینی بود که پادشاه جهت معیشت به تابعان خود اعطا می نمود؛ سیورغال ها معمولاً از دادن مالیات معاف بودند و حکومت مرکزی از مداخله قانونی و دیوانی در آن ها پرهیز می کردند. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخل سیورغال)

۳۳. واگذاری درآمد و هزینه ناحیه ای معین از جانب پادشاه یا دولت به اشخاص بر اثر ابراز لیاقت یا به ازای مواجب و حقوق سالیانه. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل مدخل تیول)

فهرست منابع و مطالعات

- ابن بطوطه (۱۳۷۶)، سفرنامه، ج ۱، ترجمه محمدعلی موحّد، تهران: آگه.
- ابن عربشاه (۱۳۵۶)، عجایب المقدور، ترجمه محمد علی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افشار، ایرج (۱۳۴۸)، یادگارهای یزد، ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی.
- افشاری، مهران، مهدی مدائنی (۱۳۸۱)، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، تهران: چشمه.
- الشیخی، ابراهیم سعید (۱۳۶۲)، اصناف عصر عباسی، ترجمه هادی عالمزاده، تهران: نشر دانشگاهی.
- امیراسمی، کامبیز؛ ابوالحسن، فیاض انوش (۱۳۹۹)، تأثیر سیاست های حمایتی امرای تیموری بر موقعیت بازاریان و اقتصاد شهری، پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۴، ش ۲۷، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص ۵۲-۳۱.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۷۴)، فرهنگ فارسی، تهران: زوآر.
- اوکین، برنارد (۱۳۸۶)، معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- باربارو، جوزافا، کاترینو زنو و دیگران (۱۳۴۹)، سفرنامه های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- تاج السلمان (۱۹۵۵)، شمس الحسن، ترجمه هانس روبرت رومر، بی جا: هیأت مستشرقین فرهنگستان ماینس.
- جکسون، پیتر، لورنس لاکهارت (۱۳۹۰)، تاریخ ایران کمبریج، ج ۶، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب.

- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۷۲)، *زبدۃ التواریخ*، ج ۱ و ۲، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: نشر نی و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲)، *تزوکات تیموری*، تهران: کتابفروشی اسدی.
- خوافی، شهاب‌الدین ابوالقاسم احمد (۱۳۵۷)، *منشأ الانشاء*، ج ۱، به کوشش رکن‌الدین همایونفرخ، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰)، *حبیب السیر*، ج ۴، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام.
- _____ (۱۳۱۷)، *دستور الوزراء*، تهران: اقبال.
- _____ (۱۳۷۲)، *مآثر الملوک*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: رسا.
- _____ (۱۳۷۴)، *مکارم الاخلاق*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲)، *لغت نامه*، تهران: سازمان لغت نامه.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۸)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۲ و ۷، تهران: مؤلف.
- روملو، حسن بیک (۱۳۴۹)، *احسن التواریخ*، ج ۱۱، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زکی محمد حسن (۱۳۶۳)، *تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام*، ترجمه محمد علی خلیلی، تهران: اقبال.
- سمائی دستجردی، معصومه؛ عابدین پور، وحید؛ الهیاری، فریدون (۱۳۹۵)، *تبیین موقعیت ناهمگون هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان*، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۰، ش ۱۸، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص ۱۱۱-۱۳۴.
- سمرقندی، دولت‌شاه بن علاءالدوله (۱۳۸۲)، *تذکره الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، ج ۱ و ۲، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳)، *ظفرنامه*، به کوشش پناهی سمنانی، تهران: نشر بامداد.
- صفوی، سام میرزا (۱۳۸۴)، *تذکره تحفه سامی*، تصحیح رکن‌الدین همایونفرخ، تهران: اساطیر.
- عالی افندی، مصطفی (۱۳۶۹)، *مناقب هنروران*، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: سروش.
- عثمان، محمد عبدالستار (۱۳۷۶)، *مدینه اسلامی*، ترجمه علی چراغی، تهران: امیرکبیر.

-فرحناکی، شهرام؛ نوروزی، جمشید؛ یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر وضعیت تجارت خراسان و ماوراءالنهر در دوران تیموریان، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۲، ش ۲۳، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص ۱۵۳-۱۷۶.

-قلیچ خانی، حمید رضا (۱۳۷۳)، رسالتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، تهران: روزنه.
-کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۵۷)، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
-کاوسی، ولی الله (۱۳۸۹)، تیغ و تنبور، تهران: مؤسسه تألیف و نشر آثار هنری «متن».
-کلاویخو، گنزالز (۱۳۶۶)، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
---کنبای، شیلا (۱۳۸۸)، هنر و معماری صفویه، ترجمه مزدا موحد، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.

-گلمیک، لیزا، دونالد ویلبر (۱۳۷۴)، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
-مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲)، کتاب آرایه در تمدن اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

-مروارید، خواجه عبدالله (۱۹۵۱)، شرفنامه، ج ۳، ترجمه هانس روبرت رومر، ویسبادن، هیأت مستشرقین فرهنگستان ماینس.

-مشیری، مهشید (۱۳۶۹)، فرهنگ فارسی، تهران: سروش.
-منشی، محمد بن علی بن جمال الاسلام (۱۳۵۶)، همایون نامه، به اهتمام رکن الدین همایونفرخ، تهران: چاپخانه خرمی.

-منشی قمی، قاضی میراحمد (۱۳۵۹)، گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: منوچهری.

-میبدی، قاضی حسین بن معین الدین (۱۳۷۶)، منشآت میبدی، تصحیح نصرت الله فروهر، تهران: نقطه.

-میرجعفری، حسین (۱۳۷۹)، تاریخ تحولات ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران: سمت.
-میرجعفری، حسین؛ یوسف جمالی، کریم؛ موگویی، داریوش (۱۳۹۴)، عوامل رشد و زوال شهرهای ایران در عصر تیموریان، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۹، ش ۱۷، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص ۲۰۳-۲۲۱.

-نظامی باخزری، عبدالواسع (۱۳۷۱)، مقامات جامی، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: نی.

نوابی، امیر علیشیر (۱۳۶۳)، *مجالس النفایس*، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: کتابخانه منوچهری.

-وارد، ریچارد (۱۳۸۴)، *فلزکاری اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

-واعظ کاشفی، ملا حسین (۱۳۵۰)، *فتوت نامه سلطانی*، به اهتمام محمد جعفر محبوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

-یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*، ج ۱ و ۲، تصحیح عبدالحسین نوابی، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

-یوسف اهل، جلال‌الدین (۱۳۵۶)، *فرائد غیائی*، ج ۱، به کوشش یوسف مؤید، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

